تحقیقات مالی
دانشکدهٔ مدیریت دانشگاه تهران

دورهٔ ۱۷، شمارهٔ ۱
بهار و تابستان ۱۳۹۴
ص. ۵۸- ۳۹

تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی و مالی بر تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

یحیی حساس‌یگانه[۱]، سمیه تقی‌زاده[۲]

چکیده: هدف این پژوهش بررسی تأثیر برخی سازوکارهای راهبری شرکتی (ساختار هیئت‌مدیره و ساختار مالکیت) و متغیرهای مالی (سطح بدهی، اندازهٔ شرکت) بر تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای این منظور، اطلاعات ۴۸ شرکت با بیشترین تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی و ۴۶ شرکت (گروه کنترل) با کمترین تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی جمع‌آوری شده است. تجزیه‌وتحلیل اطلاعات از طریق آزمون t-test، همبستگی (کندال و اسپیرمن) و ایجاد مدل رگرسیون لجستیک انجام گرفته است. نتایج نشان می‌دهد بین دوگانگی وظیفهٔ مدیرعامل و تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی رابطهٔ مثبتی وجود دارد، بین اندازهٔ هیئت‌مدیره و تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی رابطهٔ مثبتی برقرار است و از میان متغیرهای مالی، سطح بدهی با تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی رابطهٔ مثبتی دارد.

واژه‌های کلیدی: تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی، تعدیلات سنواتی، راهبری شرکتی.

۱. دانشیار حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
۲. کارشناس‌ارشد حسابداری، دانشگاه علوم اقتصادی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۷/۱٤
تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۰۸/۰٦
نویسندهٔ مسئول مقاله: سمیه تقی‌زاده
E-mail: somayeh.tagizadeh@gmail.com

Arhive of SID
www.SID.ir

مقدمه

اطمینان عمومی به گزارشگری مالی، اساس بازارهای سرمایه است. ایجاد فضای بی‌اعتمادی در بازار سرمایه و تصور اتکاناپذیری به صورت‌های مالی، پیامد اشتباه‌های با اهمیت در صورت‌های مالی دورهٔ (دوره‌های) گذشته و درنتیجه، ارقام بالای تعدیلات سنواتی است. بررسی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران حاکی از آن است که اغلب شرکت‌ها صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه می‌کنند. از این رو، در ایران رقم تعدیلات سنواتی به عنصر پایدار گردش حساب سود و زیان انباشته تبدیل شده است، تعدیلات سنواتی می‌تواند سبب تضییع یا انتقال نابه‌جای حقوق سهامداران شود. تعدیلات سنواتی به زبان ساده یعنی اینکه در صورت‌های مالی سال‌های گذشته اشتباه با اهمیتی رخ‌داده است و چنانچه صورت‌های مالی با دقت بیشتری بررسی شود، تعدیلات سنواتی حامل پیام منفی دربارهٔ اعتبار صورت‌های مالی است و باید در مجامع عمومی به آن بیشتر توجه کرد (بزرگ‌اصل، ۱۳۸۷). ایجاد فضای بی‌اعتمادی در بازار سرمایه، تصور اتکاناپذیربودن صورت‌های مالی و تلاش برای دسترسی به اطلاعات بیرون از بورس، از آثار نه چندان بلندمدت و زیان ناشی از تصمیم اشتباه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و تضییع منافع عمومی است. بنابراین عزم جدی برای پیشگیری از تحریف صورت‌های مالی و جلوهٔ مباح آن در قالب تعدیلات سنواتی، خواستهٔ معقول و مشروع استفاده‌کنندگان اطلاعات بازارهای سرمایه است.

دیوان محاسبات عمومی آمریکا (۲۰۰۲)[1] تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی را انعکاسی از ضعف راهبری (حاکمیت) شرکتی می‌داند. نتایج پژوهش‌ها ارتباطی بین سازوکارهای راهبری شرکتی و تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی را گزارش می‌دهد (افندیت، ۲۰۰۴). مطالعات علمی نشان داده است میان راهبری شرکتی ضعیف و کیفیت نازل گزارشگری مالی، تحریف سود و ضعف کنترل‌های داخلی، رابطه وجود دارد. راهبری (حاکمیت) شرکتی سازوکاری است که کارایی منافع سهامداران را تأمین می‌کند. در سال‌های اخیر، راهبری شرکتی به جنبهٔ اصلی و پویای تجارت تبدیل شده است و هر روز بیشتر به آن توجه می‌شود. اعمال راهبری شرکتی در سطح جهانی پیشرفت می‌کند. سازمان‌های بین‌المللی، مانند سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی (OECD)[2]، استانداردهای پذیرفته‌شدهٔ بین‌المللی را در این باره فراهم می‌کنند. آمریکا، بریتانیا و سایر کشورها، همچنان به تقویت سیستم‌های راهبری شرکتی خود ادامه می‌دهند و به سهامداران و روابط آنها، پاسخگویی، بهبود عملکرد هیئت‌مدیره، حسابرسان و سیستم‌های حسابداری و کنترل

1. United States General Accounting Office
2. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

Archive of SID

www.SID.ir

داخلی، توجه ویژه می‌کنند و بر روش‌هایی تأکید دارند که شرکت‌ها از طریق آن اداره و کنترل می‌شوند (حساس‌یگانه، ۱۳۸۴).

از آنجا که در برخی از شرکت‌های ایران تعدیلات سنواتی رقم بالایی را به خود اختصاص داده است و این شرکت‌ها تا حدودی توانسته‌اند این رقم را کنترل کنند و با توجه به پیشینه و نتایج مطالعاتی که از سایر کشورها دربارهٔ راهبری شرکتی و تجدید ارائهٔ صورت‌های‌های مالی به‌دست آمده است، می‌توان گفت رابطهٔ معناداری میان بعضی از سازوکارهای راهبری شرکتی و تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی وجود دارد. بنابراین، مسئله‌ای در ذهن محقق شکل گرفت که شاید نظام حاکمیت شرکتی قوی‌تر در این شرکت‌ها، از تعدیلات سنواتی پیشگیری کرده است، از این رو پژوهش حاضر به بررسی این مسئله می‌پردازد که آیا سازوکارهای راهبری شرکتی (ساختار مالکیت و ساختار هیئت‌مدیره) بر تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی تأثیر دارد؟ هرچند هدف اصلی پژوهش بررسی تأثیر سازوکارهای راهبری شرکتی بر تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی است، این تحقیق قصد دارد علاوه‌بر متغیرهای راهبری (حاکمیتی) بیان‌شده، برخی از متغیرهای مالی مؤثر بر تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی را بررسی کند و دلایل مالی را نیز همراه با متغیرهای حاکمیتی برای توجیه تجدید ارائهٔ صورت‌های مالیِ شرکت‌های ایرانی بیان کند. متغیرهای مالی (سطح بدهی و اندازهٔ شرکت) برحسب بیشترین تأثیرگذاری بر تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی انتخاب شده‌اند.

پیشینهٔ نظری پژوهش

ویژگی‌های کیفی که دومین بخش از چارچوب نظری FASB به‌شمار می‌رود، به‌طور خاصی در کانون توجه قرار گرفته است. سلسله‌مراتب ویژگی‌های کیفی حسابداری مطابق آنچه در چارچوب نظری FASB آمده است، تصمیم‌گیرندگان را صدرنشین نشان می‌دهد، صدرنشینی که از ارادهٔ حسابداری برای برآوردن نیازهای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان حکایت می‌کند. ویژگی‌های کیفی خاص حسابداری که FASB شمارهٔ ۲ بر آن تمرکز دارد با عنوان کلی «سودمندی در تصمیم» مطرح شده است که در واقع به ادامهٔ تأکید بر تصمیم‌گیرندگان و نیازهای آنها می‌پردازد (هری ولک، ۲۰۰۵). تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی زمانی اتفاق می‌افتد که صورت‌های مالی دورهٔ قبل در نتیجهٔ اشتباه‌های محاسباتی و ریاضی، اشتباه در به‌کارگیری رویه‌های حسابداری، تعبیر نادرست یا نادیده‌گرفتن واقعیت‌های موجود در زمان تهیهٔ صورت‌های مالی، تغییر از رویهٔ غیراستاندارد حسابداری به رویهٔ استاندارد حسابداری و تقلب‌های نادرست، گزارش شده است (استاندارد حسابداری ایران، شمارهٔ ۶). هر یک از مواردی که سبب تجدید ارائه می‌شود، می‌تواند

Archive of SID

www.SID.ir

کیفیت صورت‌های مالی را نیز از جنبه‌های مهمی چون قابل اتکابودن، به‌موقع‌بودن، امکان مقایسه (ثبات رویه) و حتی مربوط‌بودن، خدشه‌دار کند. بر اساس مفاهیم نظری گزارشگری مالی، اطلاعاتی اتکاپذیر است که خالی از اشتباه و تمایل‌های جانبدارانه باشد (سروری مهر، ۱۳۸۵ و کردستانی، آزاد و کاظمی، ۱۳۸۹). علاوه‌بر این، سود هر سهم و نسبت قیمت به سود هر سهم، از جمله شاخص‌هایی است که تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران از آن استفاده می‌کنند. در نتیجه ارائهٔ نادرست سود و اصلاح آن در دوره‌های بعد، یعنی پس از گرفتن تصمیم‌های مربوط، آثار اقتصادی و مالی مختلف برای افراد در پی خواهد داشت (نیکبخت و رفیعی، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر، افشا و شفافیت یکی از مهم‌ترین اصول راهبری شرکتی است. اطلاعات شفاف را می‌توان یکی از ابزارهای ایفای مسئولیت پاسخگویی مدیران دانست. هرچه انتشار اطلاعات در جوامع بیشتر باشد، امکان اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه و ایفای مسئولیت پاسخگویی دربارهٔ چگونگی تحصیل و مصرف منابع بیشتر می‌شود.

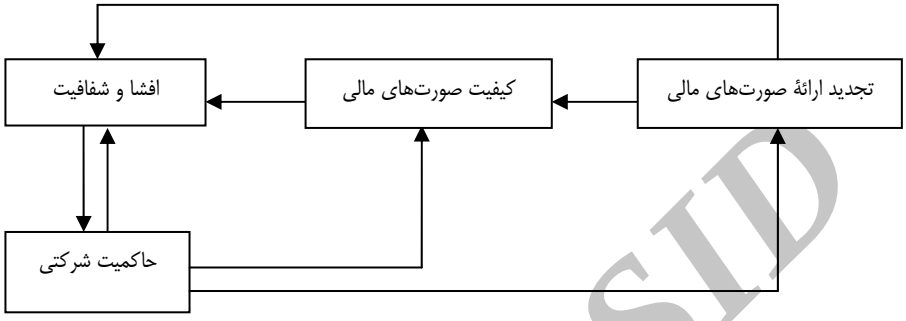
کافمن (۱۹۹۹ و ۲۰۰۲) شفافیت را افزایش جریان به موقع و قابل اتکای اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که در دسترس همهٔ ذی‌نفعان باشد، تعریف کرده است. بنابراین افشا و شفافیت که یکی از اصول راهبری شرکتی است، می‌تواند در نتیجهٔ تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی تضعیف شود. روابط متقابل کمیتهٔ حسابرسی، حسابرسان مستقل، حسابرسان داخلی، هیئت‌مدیره و مدیریت اجرایی، در اثربخشی راهبری شرکتی و ارتقای کیفیت گزارشگری مالی، نقش اساسی دارند (قانون ساربینز ـ آکسلی، ۲۰۰۲). اشخاص و سازکارهای برون‌سازمانی (سهامداران، بورس اوراق بهادار و تحلیل‌گران مالی)، اغلب موجب شکل‌گیری و تحت تأثیر قرار گرفتن روابط متقابل افرادی می‌شوند که مسئول مستقیم اعمال راهبری شرکتی در شرکت‌اند، بنابراین نظام راهبری شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی (مانند شفافیت و عینیت) و در نهایت تحریف سود و تقلب در گزارش‌ها، مؤثر است (گایگر و تیلور، ۲۰۰).

هرچند تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی، همواره نشانهٔ تقلب نیست و در طیفی از اصلاح اشتباه‌های سهوی تا گزارشگری متقلبانه قرار می‌گیرد، به سادگی می‌تواند سرپوشی برای رفتارهای متقلبانهٔ مدیریت به‌کار گرفته شود. مطالعات داخلی خارجی زیادی یکی از علل اصلی تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی را ضعف نظام راهبری شرکتی معرفی می‌کنند. اگرچه تعاریف متعددی از راهبری شرکتی ارائه شده است، شفافیت در همهٔ تعاریف در کانون قرار گرفته است؛ به‌طوری که در تعریف جامع و فراگیری، هدف غایی از استقرار نظام راهبری شرکتی، دستیابی به پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان در شرکت‌ها بیان شده است. از سوی دیگر، یکی از اهداف اساسی بسیاری از اصطلاحات پیشنهادی برای نظام راهبری شرکتی،

Arnive of SID

www.SID.ir

افزایش شفافیت بوده است (هرمالین و ویسباچ، ۲۰۰۷). سرمایه‌گذاران بازارهای سرمایه برای تصمیم‌گیری به اطلاعاتی تکیه می‌کنند که فهم‌پذیربودن، بتوان آن را تجزیه‌وتحلیل کرد. ادبیات نظری بیان‌شده را می‌توان در قالب مدل مفهومی زیر (شکل ۱) خلاصه کرد.



شکل ۱. مدل مفهومی ادبیات نظری پژوهش

پیشینهٔ تجربی پژوهش

مشایخی (۲۰۰۷) رابطهٔ بین سه ویژگی راهبری شرکتی (اندازهٔ هیئت‌مدیره، دوگانگی وظیفهٔ مدیر عامل و نمایندگان سهامداران نهادی در هیئت‌مدیره) و مدیریت سود را بررسی کرد. نتایج پژوهش وی رابطهٔ معناداری را بین اندازهٔ هیئت‌مدیره، دوگانگی وظیفهٔ مدیرعامل و نمایندگان سهامداران نهادی در هیئت‌مدیره با مدیریت سود گزارش داد.

آقایی و چالاکی (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی رابطهٔ بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی (تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی، نفوذ مدیر عامل، دوگانگی وظیفهٔ مدیرعامل در هیئت‌مدیره، اندازهٔ هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره، اتکا بر بدهی و مدت زمان تصدی مدیرعامل در هیئت‌مدیره) و محتوای اطلاعاتی سود در صورت اعمال مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۰ پرداختند. یافته‌های پژوهش رابطهٔ ضعیفی بین مالکیت نهادی و استقلال هیئت‌مدیره با محتوای اطلاعاتی سود در شرکت‌های با انگیزهٔ مدیریت سود نشان می‌دهد.

بولو و مؤمنی (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی رابطهٔ تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی با مدیریت سود و کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از رابطهٔ معنادار بین تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی با مدیریت سود است. نوع رابطه

Arhive of SID

www.SID.ir

نشان می‌دهد هرچه شدت تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی افزایش یابد بر مدیریت سود نیز افـزوده می‌شود.

حساس‌یگانه و سلیمی (۱۳۹۰) در پژوهشی مدلی برای رتبه‌بندی نظـام راهبـری شـرکتی در ایران ارائه کردند. نتایج آنان نشان داد ابعاد شفافیت، اثربخشی هیئت‌مدیره، حقـوق سـهامداران و اثرهای مالکیت، به‌ترتیب بیشترین تأثیر را در رتبهٔ راهبری شرکتی دارند. سجادی‌نژاد (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای نشان داد بین اندازهٔ شرکت و تعدیلات سنواتی رابطهٔ معکوس وجود دارد؛ به این معنـا که در شرکت‌های بزرگ تعدیلات سنواتی کمتر از شرکت‌های کوچک است. نتایج پژوهش رابطهٔ معناداری بین عمر شرکت و تعدیلات سنواتی نشان نداد. نیکبخت و رفیعی (۱۳۹۰) در پژوهشـی به شناسایی عوامل مؤثر بر تجدید ارائهٔ صورت‌هـای مـالی در ایـران پرداختنـد. نتـایج نشـان داد سودآوری، اهرم مالی، مدت زمان دورهٔ تصدی مدیریت، تغییر مدیریت، تغییر حسـابرس و انـدازهٔ مؤسسه حسابرسی بر وقوع تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی مؤثر است. تأثیر افزایش سرمایه، پاداش مدیریت و اندازهٔ شرکت بر وقوع تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأییـد نشد. به‌طور کلی یافته‌های آنان نشان داد تجدید ارائهٔ صـورت‌هـای مـالی در شـرکت‌هـایی کـه مشکل سودآوری، فشار مالی و ساختارهای راهبری شرکتی ضـعیف‌تـری دارنـد، بیشـتر از سـایر شرکت‌ها دیده می‌شود.

ادارهٔ حسابداری عمومی آمریکا (۲۰۰۲) تجدید ارائهٔ صورت‌های مـالی را انعکاسـی از ضـعف راهبری شرکتی می‌داند. چند مطالعهٔ تجربی رابطهٔ تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی و سـازوکارهـای راهبری شرکتی را بررسی کردند. دیچو، اسلوان و اسوینی (۱۹۹۶)، بیزلی (۱۹۹۶) و فاربر (۲۰۰۵) بین استقلال هیئت‌مدیره و احتمال تجدید ارائهٔ صورت‌هـای مـالی رابطـهٔ منفـی قـوی مشـاهده کردند. نتایج آنها منطبق بر نظریهٔ جنسن و فاما (۱۹۸۳) و جنسن (۱۹۹۳) است؛ این نظریه بیـان می‌کند بهبود هیئت‌مدیره، کارایی هیئت‌مدیره را افزایش می‌دهـد. همچنـین دیچـو و همکـاران (۱۹۹۶) و فاربر (۲۰۰۵) دریافتند مدیرعامل به‌مثابهٔ عضوی از هیئت‌مدیره، احتمـال تجدیـد ارائـهٔ صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد. این یافته با نظر جنسن (۱۹۹۳) مبنی بر مدیرعامل به‌مثابـهٔ عضوی از هیئت‌مدیره، کارایی هیئت‌مدیره را کاهش می‌دهد، همخوانی دارد.

مطالعات علمـی دیگـری نیـز رابطـه‌ای را میـان راهبـری شـرکتی ضـعیف و کیفیـت نـازل گزارشگری مالی، تحریف سود، وجود تقلب در صورت‌های مالی و ضعف کنترل داخلـی، گـزارش کرده‌اند (برای مثـال بیزلـی، ۱۹۹۶؛ مـک‌مـولن، ۱۹۹۶؛ بیزلـی، ۲۰۰۰؛ کارسـلو و نیـل، ۲۰۰۰؛ کریشان، ۲۰۰۱؛ کلاین، ۲۰۰۲ و فاربر، ۲۰۰۵). نتایج پژوهش‌های بیزلی (۱۹۹۵)، چتورو (۲۰۰۱) و کلین (۲۰۰۲) نشان می‌دهد استقلال هیئت‌مدیره با تقلب‌های مالی و مدیریت سود ارتباط کمی

Arhive of SID

www.SID.ir

دارد. آگروال (۲۰۰۵) در پژوهشی نشان داد احتمال تجدید ارائه‌های مالی در شرکت‌هایی که از نیروی مالی متخصصی در هیئت‌مدیره و کمیتهٔ حسابرسی بهره می‌برند، به‌طور شایان توجهی کمتر است.

پژوهش گانگ چن (۲۰۰۶)، ویژگی‌های هیئت‌مدیره را عامل تأثیرگذاری بر تقلب دانست و الگوهای مالکیت را بی‌اهمیت یا بی‌اثر نشان داد. نظارت مدیران خارجی یا غیر موظف سبب کاهش تقلب می‌شود و رئیس هیئت‌مدیره با دورهٔ تصدی کوتاه‌تر، کمتر می‌تواند مانع تقلب شود. پژوهش شلتون، والتر و فوربز (۲۰۱۱) نشان داد زمانی که در بازارهای بین‌المللی قانون بیشتری اعمال می‌شود، تفاوت مهمی در ارزش تجدید ارائه‌ها به‌سبب استانداردهای حسابداری (IFRS و GAAP آمریکا) متفاوت به‌وجود نمی‌آید. به‌علاوه، شرکت‌هایی با الزامات قانونی بهتر و قوانین تجاری بیشتر، به تجدید ارائه‌های کوچک‌تر یا دستکاری کمتر سود تمایل دارند.

آلیزا روشتاین (۲۰۰۸) در پژوهشی به بررسی تغییر حاکمیت شرکتی به‌دنبال تجدید ارائه (یک سال قبل و دو سال بعد از تجدید ارائه) پرداخت. محقق از شاخص ترکیبی حاکمیت شرکتی استفاده کرد و نشان داد شاخص ترکیبی (شاخص G) مد نظر وی از حاکمیت شرکتی (ترکیبی از ۱۰ ویژگی حاکمیت شرکتی شامل استقلال هیئت‌مدیره، دوگانگی وظیفهٔ مدیرعامل، اندازهٔ هیئت‌مدیره، اندازهٔ حسابرس، تغییر حسابرس، تغییر مدیرعامل، سهام اعضای هیئت‌مدیرهٔ موظف، تعداد اعضای مدیرهٔ غیر موظف کمیتهٔ حسابرسی، تعداد اعضای غیر موظف در کمیتهٔ پاداش، تعداد اعضای مدیرهٔ غیر موظف در کمیتهٔ حاکمیت شرکتی) بعد از اطلاعیهٔ تجدید ارائه بهبود یافته است.

ناو (۲۰۰۹) طی پژوهشی دریافت در شرکت‌های تجدید ارائه‌کننده، پیش از تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی، احتمال وجود هیئت‌مدیره و کمیتهٔ حسابرسی با استقلال کم، بیش از شرکت‌های گروه کنترل است. به این ترتیب شرکت‌هایی که صورت‌های مالی دورهٔ قبل خود را تجدید ارائه می‌کنند، در مقایسه با سایر شرکت‌ها در جامعهٔ آماری، ارکان راهبری ضعیف‌تری دارند.

فرضیه‌های پژوهش

با در نظر گرفتن مبانی نظری بیان‌شده و مطالعات پیشین در زمینهٔ راهبری شرکتی و تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی و تفسیری که به جنبهٔ نظارتی هریک از متغیرهای راهبری شرکتی توجه شده است، فرضیه‌های پژوهش بیان می‌شود.

چنانچه مدیرعامل رئیس هیئت‌مدیره باشد، نظام راهبری شرکتی تضعیف می‌شود؛ چون این عامل مانع نظارت مؤثر است. بنابراین احتمال اشتباه و تقلب و درنتیجه تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی بیشتر می‌شود. بنابراین فرضیهٔ اول به‌شرح زیر مطرح می‌شود:

Archive of SID

www.SID.ir

فرضیهٔ اول: ترکیب دو نقش رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل (دوگانگی وظیفهٔ مدیرعامل) بر تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی تأثیر مثبت دارد.

در صورتی که اعضای غیر موظف هیئت‌مدیره زیاد باشد، هیئت‌مدیره نظارت مؤثرتری بر شرکت اعمال می‌کند. لاولر و کانگر (۲۰۰۲) در پژوهشی نتیجه گرفتند استقلال هیئت‌مدیره عامل مهمی در افزایش نقش نظارتی هیئت‌مدیره است. بنابراین فرضیهٔ دوم به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیهٔ دوم: استقلال هیئت‌مدیره بر تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی تأثیر منفی دارد.

اگر رئیس هیئت‌مدیره عضو موظف باشد، می‌تواند نقش نظارتی رئیس هیئت‌مدیره را تضعیف کند و سبب افزایش نفوذ مدیرعامل شود، در این صورت احتمال اشتباه و تقلب و درنتیجه تجدید ارائه‌های صورت‌های مالی افزایش می‌یابد. یرماک (۱۹۹۶) و رچنر و دالتون (۱۹۹۱) نشان دادند شرکت‌هایی که از رئیس هیئت‌مدیرهٔ غیرموظف بهره می‌برند، عملکرد بهتری نسبت به شرکت‌های تحت نفوذ مدیرعامل دارند. بنابراین فرضیهٔ سوم را می‌توان به‌صورت زیر بیان کرد: فرضیهٔ سوم: نفوذ مدیرعامل (رئیس هیئت‌مدیره عضو موظف باشد) بر تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی تأثیر مثبت دارد.

هیئت‌مدیرهٔ بزرگ‌تر می‌تواند نظارت مؤثری بر شرکت اعمال کند و درنتیجه موجب کاهش تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی شود، بنابراین فرضیهٔ چهارم به شرح زیر بیان می‌شود:

فرضیهٔ چهارم: اندازهٔ هیئت‌مدیره بر تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی تأثیر منفی دارد.

دربارهٔ دورهٔ تصدی مدیرعامل، جنسن (۱۹۹۳) و هرمالین و ویزبچ (۱۹۹۸) بر این باورند مدیرعامل جایگاهی دارد که می‌تواند ترکیب هیئت‌مدیره را کنترل کند و توانایی نظارت هیئت‌مدیره را کاهش دهد. مدیرعاملی که قبلاً عضو هیئت‌مدیرهٔ شرکت بوده است، در مقایسه با مدیرعامل جدید، قدرت نسبی بیشتری دارد. بنابراین برای تقلب و سرپوش‌گذاری بر اشتباه‌ها از توانایی بیشتری برخوردار است. لذا فرضیهٔ پنجم را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

فرضیهٔ پنجم: مدت تصدی مدیرعامل در هیئت‌مدیره بر تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی تأثیر مثبت دارد.

در ادبیات راهبری شرکتی، سرمایه‌گذاران نهادی یکی از سازوکارهای خارجی مؤثر در نظارت بر شرکت شناخته می‌شوند. این گروه از فعالان بازار سرمایه با توجه به برخورداری از دانش و تخصص کافی، دسترسی به راه‌های ارتباطی مؤثر و انگیزهٔ لازم برای نظارت بر عملکرد مدیریت، می‌توانند در ارتقای نظام راهبری شرکتی و در نتیجه افزایش کارایی و بهره‌وری شرکت، نقش اساسی ایفا کنند. بنابراین فرضیهٔ ششم این‌گونه مطرح می‌شود:

فرضیهٔ ششم: مالکیت نهادی بر تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی تأثیر منفی دارد.

Archive of SID

www.SID.ir

تمرکز مالکیت، به‌معنای عضویت سهامداران بزرگ است. سهامداران بزرگ قدرت و انگیزهٔ نظارتی بیشتری بر شرکت دارند. سهامداران کوچک به نظارت بر شرکت علاقه‌ای ندارند؛ چون در این صورت آنها همهٔ هزینه‌های نمایندگی را تحمل می‌کنند و فقط از بخش کوچکِ منفعت نظارتی سهم می‌برند. شلیفر و ویشنی (۱۹۸۹) معتقدند سهامداران بزرگ به‌منظور حمایت از سرمایه‌گذاری‌هایشان، انگیزهٔ قوی‌ای برای نظارت و تأثیر بر مدیریت شرکت دارند. بنابراین فرضیهٔ هفتم به شرح زیر مطرح می‌شود:

فرضیهٔ هفتم: تمرکز مالکیت بر تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی تأثیر منفی دارد.

یکی از متغیرهایی که در این پژوهش بررسی می‌شود، سطح بدهی است. سطح بدهی نشان‌دهندهٔ ریسک و وسعت قراردادهای بدهی تحمیل‌شده بر شرکت است. بنابراین احتمال بیشتری برای ارائهٔ نادرست حساب‌ها در سطح بدهی بالا وجود دارد. پژوهش سینایی و خرم (۱۳۸۳) به بررسی رابطهٔ اهرم مالی با ریسک سیستماتیک پرداخت و در نهایت به این نتیجه رسید که بین اهرم مالی و ریسک سیستماتیک رابطهٔ معنادار وجود دارد. فرضیهٔ مطرح در این زمینه به شرح زیر است:

فرضیهٔ هشتم: سطح بدهی بر تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی تأثیر مثبت دارد.

متغیر مالی دیگر اندازهٔ شرکت است. ریچارد (۲۰۰۳) دریافت اندازهٔ شرکت با احتمال ارائهٔ مجدد صورت‌های مالی رابطهٔ مثبت دارد. احتمال دارد سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران شرکت‌های بزرگ‌تر را بیشتر بررسی کنند و این بررسی دقیق سبب شود فشار بازار سرمایه برای انتخاب روش‌های متهورانه افزایش یابد. فرضیهٔ نهم، فرضیهٔ مطرح در این زمینه است:

فرضیهٔ نهم: اندازهٔ شرکت بر تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی تأثیر مثبت دارد.

روش‌شناسی پژوهش

جامعهٔ آماری این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است که دست کم از سال ۱۳۸۵ در سازمان بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده‌اند و طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ به تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی خود اقدام کرده‌اند. لذا نمونهٔ آماری شرکت‌هایی است که به روش حذفی و با در نظر گرفتن قلمروی مکانی و زمانی پژوهش بر اساس شرایط زیر انتخاب شده‌اند:

- از ابتدای سال ۱۳۸۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند؛
- اطلاعاتی چون گزارش حسابرسی و یاداشت‌های توضیحی همراه با صورت‌های مالی به‌منظور استخراج داده‌ها در دسترس باشد؛

Arhive of SID

www.SID.ir

- با توجه به ماهیت و طبقه‌بندی متفاوت اقلام صورت‌های مالی شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه و واسطه‌گری مالی نسبت به شرکت‌های تولیدی، شرکت‌های جامعهٔ آماری جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه و بانک‌ها نباشند؛
- در قلمروی زمانی پژوهش، بیش از یک‌بار صورت‌های مالی سالانهٔ تجدید ارائه شده را منتشر کرده باشد و مبلغ تعدیلات سنواتی آنها با اهمیت باشد.

همچنین برای ارزیابی، گروه کنترلی شامل شرکت‌هایی که تجدید ارائه نکرده‌اند یا فقط یک‌بار در بازهٔ زمانی پژوهش صورت‌های مالی شرکت را تجدید ارائه کرده‌اند، یا رقم تعدیلات سنواتی آنها نسبت به شرکت‌های دیگر با اهمیت نباشد (با توجه به آنچه در توضیح متغیر وابستهٔ R آمده است) انتخاب می‌کنیم. بنابراین، نمونه با توجه به تعداد شرکت‌های گروه کنترل تعدیل می‌شود و نباید با گروه کنترل تفاوت زیادی داشته باشد. با در نظر گرفتن موارد گفته‌شده، ۴۸ شرکت نمونهٔ مد نظر را شکل داد و گروه کنترل نیز شامل ۴۶ شرکت شد.

متغیرهای پژوهش

متغیرهای مستقل

با توجه به فرضیه‌های بیان‌شده، متغیرهای مستقل و وابستهٔ این پژوهش به شرح زیر معرفی می‌شوند:

نفوذ مدیرعامل (CEOD)[1]: به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن رئیس هیئت‌مدیره عضو موظف باشد.

دوگانگی وظیفهٔ مدیرعامل (DUAL)[2]: وضعیتی است که مدیرعامل، رئیس هیئت‌مدیره باشد یا به بیان دیگر، دو نقش مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره بر عهده داشته باشد.

اندازهٔ هیئت‌مدیره (BRDSZE)[3]: تعداد اعضای هیئت‌مدیرهٔ شرکت است (با در نظرگرفتن اینکه ممکن است مدیرعامل، عضو هیئت‌مدیرهٔ شرکت باشد یا عضو آن نباشد).

استقلال هیئت‌مدیره (BRDIND)[4]: از تقسیم تعداد اعضای غیرموظف (مستقل) در ترکیب هیئت‌مدیره بر تعداد کل اعضای هیئت‌مدیره به‌دست می‌آید.

مدت زمان تصدی مدیرعامل در هیئت‌مدیره (TENURE)[5]: مدت زمان تصدی مدیرعامل در هیئت‌مدیرهٔ شرکت است.

---

1. Chief Executive Officer Dominance
2. Chief Executive Officer Duality
3. Board Size
4. Board Independence
5. Chief Executive Officer Tenure

Arhive of SID

www.SID.ir

مالکیت نهادی (INSOWN)[1]: مجموع درصد سهام شرکت که متعلق به بانک‌ها، بیمه‌ها، نهادهای مالی، مادرشرکت‌ها، سازمان‌ها و نهادها و شرکت‌های دولتی است.

تمرکز مالکیت (OWNCON)[2]: مجموع درصد تملک سهامدارانی است که حداقل ۵ درصد سهام شرکت را در اختیار دارند.

اندازهٔ شرکت (FSIZE)[3]: اندازهٔ شرکت، لگاریتم طبیعی دارایی‌های هر شرکت است.

سطح بدهی (GRG)[4]: سطح بدهی از نسبت کل بدهی به کل دارایی به‌دست می‌آید.

متغیر وابسته

این متغیر تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی شرکت‌ها را نشان می‌دهد. چنانچه شرکت‌ها در صورت سود و زیان خود تعدیلات سنواتی داشته باشند یا صورت‌های مالی تجدید ارائه‌شده برای سال‌هایی که صورت‌های مالی مقایسه‌ای را منتشر کرده باشند، نشان از تجدید ارائهٔ صورت‌های مالیِ شرکت‌ها خواهد بود. هرگاه در دورهٔ جاری محرز شود صورت‌های مالی دورهٔ قبل در نتیجهٔ اشتباهایی (اشتباه‌های محاسباتی و ریاضی، اشتباه در به‌کارگیری رویه‌های حسابداری، تعبیر نادرست یا نادیده‌گرفتن واقعیت‌هایی در زمان تهیهٔ صورت‌های مالی، تغییر از رویهٔ غیر استاندارد حسابداری به رویهٔ استاندارد حسابداری و موارد تقلب) به شکلی نادرست ارائه شده است، اصلاح آنها ضرورت می‌یابد. در این موقع اثرهای آنها از طریق تعدیل ماندهٔ ابتدای دورهٔ سود انباشته گزارش می‌شود. بر اساس خصوصیت کیفی قابلیت مقایسه، اثر تعدیلات سنواتی باید از طریق اصلاح ماندهٔ سود (زیان) انباشتهٔ ابتدای دوره، در صورت‌های مالی درج شود و اقلام مقایسه‌ای صورت‌های مالی نیز باید بار دیگر ارائه شود (استاندارد حسابداری ایران، شمارهٔ ۶ ـ بند ۴).

متغیر وابسته (R)[5]: اگر شرکتی به تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی اقدام کرده باشد و تعدیلات سنواتی آن اهمیت داشته باشد، یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته خواهد شد. در پژوهش پیش رو برای تعیین با اهمیت‌بودن مبلغ تعدیلات سنواتی، ابتدا قدر مطلق تعدیلات سنواتی شرکت‌ها محاسبه شد و پس از آن نسبت قدر مطلق تعدیلات سنواتی به سود عملیاتی شرکت‌ها به‌دست آمد. بر اساس پژوهش کاظمی (۱۳۸۹) چنانچه نسبت مذکور بیشتر از پنج درصد باشد، تعدیلات سنواتی آن شرکت با اهمیت در نظر گرفته می‌شود.

---

1. Institutional Ownership
2. Ownership Concentration
3. Firm SIZE
4. Gearing ratio
5. Restate

Archive of SID

www.SID.ir

جمع‌آوری و پردازش داده‌ها

در این پژوهش متغیرهای راهبری شرکتی از طریق صورت‌های مالی حسابرسی‌شده و یادداشت‌های همراه، گزارش‌های سالانهٔ هیئت‌مدیره، گزارش‌های مجامع عمومی و سایر مستندات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران گردآوری شده‌اند. داده‌های تعدیلات سنواتی و متغیرهای مالی نیز از صورت‌های مالی حسابرسی‌شده و یاداشت‌های همراه به‌دست آمده‌اند. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون t و رگرسیون لجستیک استفاده شده است. در پژوهش حاضر به‌دلیل کیفی‌بودن داده‌های متغیر وابسته و برخی از متغیرهای مستقل و به‌دلیل بهره‌مندی از دو گروه (گروهی که تعدیلات سنواتی فاحشی دارند و گروه کنترلی که تعدیلات سنواتی اندک یا صفر دارند) برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها آزمون t اجرا شده است. با توجه به اینکه رابطهٔ بین متغیرهای مستقل و وابسته (مثبت یا منفی بودن) با اجرای آزمون t مشخص نمی‌شود، از ضرایب همبستگی کندال و اسپیرمن استفاده شده است.

رگرسیون لجستیک تحلیل کلی انجام می‌دهد، یعنی همهٔ متغیرها را در معادلهٔ رگرسیونی در نظر می‌گیرد. چون متغیر وابستهٔ این پژوهش کیفی است یا به بیان دیگر دو حالت صفر و یک دارد، رگرسیون به‌کاربرده‌شده برای تحلیل و مدل‌سازی متغیرهای مستقل و وابسته رگرسیون لجستیک است. مدل ۱ الگوی رگرسیون لجستیک را نشان می‌دهد که با توجه به متغیرهای راهبری شرکتی و متغیرهای مالی و همچنین با در نظر گرفتن فرضیه‌های پژوهش مدل ۲ ایجاد شده است.

مدل ۱) $$\ln\left(\frac{p}{1-p}\right) = \beta_0 + \beta_1 x_1 + \beta_2 x_2 + \cdots \beta_n x_n$$

مدل ۲) $$Ln(R/1-R) = a_0 + b_1 \times DUAL - b_2 \times BRDIND - b_3 \times INSOWN + b_4 \times CEOD - b_5 \times BRDSZE - b_6 \times OWNCON + b_7 \times TENURE + b_8 \times FSIZE + b_9 \times GRG + \varepsilon$$

مراحل آزمون به‌کمک نسخهٔ نوزدهم از نرم‌افزار SPSS اجرا شده است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

به‌منظور تجزیه‌وتحلیل اطلاعات، ابتدا به آمار توصیفی داده‌ها پرداخته می‌شود. جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش را برای نمونهٔ اصلی، یعنی شرکت‌هایی که صورت‌های مالی را بیش از یک‌بار تجدید ارائه کرده‌اند و مقدار رقم تعدیلات سنواتی آنها بیش از ۵ درصد سود

Arhive of SID

www.SID.ir

عملیاتی است (R = ۱) نشان می‌دهد. جدول ۲ نیز آمار توصیفی نمونهٔ کنترلی، یعنی شرکت‌هایی که صورت‌های مالی را تجدید ارائه نکرده یا یک‌بار تجدید ارائه کرده‌اند و مقدار رقم تعدیلات سنواتی آنها کمتر از ۵ درصد سود عملیاتی است (R = ۰) به نمایش گذاشته است. پرکاربردترین شاخص مرکزی، میانگین است. با مقایسهٔ میانگین به‌دست‌آمده از دو نمونه، می‌توان به تفاوت‌های اساسی آنها پی برد. برای مثال، دوگانگی وظیفهٔ مدیرعامل در نمونهٔ اصلی ۰/۱۵ و در نمونهٔ کنترلی صفر است که تفاوت این متغیر را در دو گروه نشان می‌دهد. همچنین مقایسهٔ میانگین سطح بدهی نمونهٔ اصلی (۰/۷) و نمونهٔ کنترلی (۰/۵۹) نشان‌دهندهٔ تفاوت این رقم در دو نمونهٔ دیگر است.

جدول ۱. آمار توصیفی نمونهٔ اصلی (شرکت‌هایی با R=۱)

	تعداد	میانگین	واریانس	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم	میانه
دوگانگی مدیرعامل	۲۴۰	۰/۱۵	۰/۳۲	۰/۱۷۹	۰	۱	۰
نفوذ مدیرعامل	۲۴۰	۰/۱۲	۰/۱۰۷	۰/۳۲۶	۰	۱	۰
اندازهٔ هیئت‌مدیره	۲۴۰	۵/۲۱	۰/۲۶۲	۰/۵۱۲	۵	۷	۵
مدت زمان تصدی مدیرعامل	۲۴۰	۴/۰۴۵	۳/۷۹	۱/۹۴	۱	۱۲	۴
مالکیت نهادی	۲۴۰	۵۷/۰۵	۹۷۴/۰۴	۳۱/۲	۰	۹۹/۰۹	۶۶/۱۹۴
تمرکز مالکیت	۲۴۰	۷۲/۹۴	۴۲۴/۹	۲۰/۶۱	۶/۲۲	۹۸/۹۳	۷۸/۲۳
استقلال هیئت‌مدیره	۲۴۰	۰/۶۶۷	۰/۰۳۳	۰/۱۸۱	۰	۱	۰/۸
اندازهٔ شرکت	۲۴۰	۱۳/۲۲	۱/۷۲	۱/۳۱۲	۱۰/۵	۱۸/۳۲	۱/۷۲
سطح بدهی	۲۴۰	۰/۷	۰/۰۹	۰/۳	۰/۱۵	۳/۰۶	۰/۰۹

جدول ۲. آمار توصیفی نمونهٔ کنترلی (شرکت‌هایی با R =۰)

	تعداد	میانگین	واریانس	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم	میانه
دوگانگی مدیرعامل	۲۳۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
نفوذ مدیرعامل	۲۳۰	۰/۱۳۴۸	۰/۱۱۷	۰/۳۴۲۲	۰	۱	۰
اندازهٔ هیئت‌مدیره	۲۳۰	۵/۱۱۷	۰/۱۳۹	۰/۳۷۲۸	۵	۷	۵
مدت زمان تصدی مدیرعامل	۲۳۰	۴/۱۵۶	۲/۷۹۶	۱/۶۷۲	۱	۱۰	۴
مالکیت نهادی	۲۳۰	۵۱/۹۱	۱۱۹۶/۶۸	۳۴/۵۹	۰	۹۹	۵۹/۵۲
تمرکز مالکیت	۲۳۰	۷۰/۹۱	۵۴۴/۴۸	۲۳/۳۳	۰	۱۰۰	۷۹/۰۴
استقلال هیئت‌مدیره	۲۳۰	۰/۶۵	۰/۰۲۶	۰/۱۶۲	۰	۰/۸۶	۰/۶
اندازهٔ شرکت	۲۳۰	۱۳/۲۳	۱/۲۲۳	۱/۱۰۶	۱۰/۶	۱۶/۵۵	۱۲/۶۲
سطح بدهی	۲۳۰	۰/۵۹	۰/۰۸۷	۰/۲۹۴	۰/۰۴	۳/۳۹	۰/۶۸

Arhive of SID

www.SID.ir

آمار استنباطی

همان‌طور که در بخش پردازش داده‌ها آمد، برای تحلیل هریک از فرضیه‌ها آزمون t اجرا شد، اما تحلیل کلی فرضیه‌ها به‌کمک رگرسیون لجستیک انجام گرفت. جدول ۳ نتایج آزمون t را نشان می‌دهد. در این آزمون فرضیهٔ .H برابری میانگین دو گروه را نشان می‌دهد و H_1 اختلاف معنادار بین میانگین دو گروه را بیان می‌کند. چنانچه سطح معناداری کمتر از ۵ درصد (میزان خطا) باشد، فرضیهٔ .H رد می‌شود و فرضیهٔ H_1 به‌معنای تفاوت معنادار بین میانگین دو متغیر تأیید می‌شود. جهت (علامت) رابطه با استفاده از نتایج آزمون اسپیرمن و کندال (جدول۴) مشخص شده است. نتایج نشان می‌دهد در سطح معناداری ۵ درصد، فرضیهٔ اول به تأیید می‌رسد؛ یعنی بین دوگانگی مدیرعامل و تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی رابطهٔ مثبت وجود دارد (r =۰/۱۲۹ و sig =۰/۰۰۵). فرضیه‌های دوم، سوم، پنجم، ششم و هفتم تأیید نمی‌شوند؛ زیرا سطح معناداری آنها بیشتر از ۵ درصد (sig >۰/۰۵) به‌دست آمده است. همچنین بین اندازهٔ هیئت‌مدیره و تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی رابطهٔ مثبت وجود دارد[1] (r =۰/۱۰۴ و sig = ۰/۰۱۷)؛ یعنی فرضیهٔ چهارم به شکلی که در این پژوهش آمده رد می‌شود، اما بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان آن را به این صورت بیان کرد که «اندازهٔ هیئت‌مدیره بر تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی تأثیر مثبت دارد».

جدول ۳. نتایج آزمون t برای هر یک از متغیرهای پژوهش

	T	Do	Sig	Mean	خطای استاندارد	حد بالا	حد پایین
DUAL	-۲/۸۱	۴۶۸	۰/۰۰۵	۰/۳۳۳	۰/۱۱۸۵	۰/۵۶۶	۰/۱۰۰۲
BRDIND	-۰/۹۱۳	۴۶۸	۰/۳۶۲	-۰/۰۱۴۵	۰/۰۱۵۹	-۰/۰۴۵۷	۰/۰۱۶۷
BRDSZE	-۲/۳۹۳	۴۶۸	۰/۰۱۷	۰/۰۹۹۲	۰/۰۴۱۴	-۱/۸۰۷	-۰/۰۱۷۷
TENURE	-۰/۶۶۰	۴۶۸	۰/۶۱۰	۰/۱۱۰۶	۰/۱۶۷۷	-۰/۲۱۸۹	۰/۴۴۰۳
INSOWN	-۱/۶۹۰	۴۶۸	۰/۰۹۲	-۵/۱۳۳	۳/۰۳۶۶	-۱۱/۱	۰/۰۳۳
CEOD	۰/۴۵۲	۴۶۸	۰/۶۵۱	۰/۰۱۳۹	۰/۰۳۰۸	-۰/۰۴۶۶	۰/۷۴۵
OWNCON	-۱/۰۰۱	۴۶۸	۰/۳۱۸	-۲/۰۲۹۹	۲/۰۲۸۸	-۶/۰۱۶۶	۱/۹۵۶۶
FSIZE	۰/۱۰۹	۴۶۸	۰/۹۱۴	۰/۰۱۲۱	۰/۱۱۲۱	-۰/۲۰۸	۰/۲۳۲۶
GRG	-۳/۷۱۷	۴۶۸	۰/۰۰۰	-۰/۱۰۲	۰/۰۲۷۴	-۰/۱۵۶۰	-۰/۰۴۸۱

۱. با در نظر گرفتن اینکه ممکن است مدیر عامل شرکتی عضو هیئت‌مدیرهٔ شرکت باشد یا عضو آن نباشد.

Arhive of SID

www.SID.ir

همچنین نتایج حاصل از آزمون t برای متغیرهای مالی، نشان‌دهندهٔ تأیید فرضیهٔ هشتم است؛ یعنی بین سطح بدهی و تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی رابطه‌ای مثبت برقرار است (r = ۰/۱۶۸ و sig = ۰/۰۰۰). به بیان دیگر هرچه سطح بدهی بالاتر رود، احتمال تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی شرکت‌ها بیشتر می‌شود.

بر اساس نتایج آزمون، فرضیهٔ نهم نیز رد می‌شود؛ زیرا سطح معناداری آن بیشتر از ۵ درصد است.

جدول ٤. نتایج همبستگی اسپیرمن ـ کندال

متغیرها	تعداد	سطح معناداری (Sig)	ضریب همبستگی
استقلا هیئت‌مدیره	۴۷۰	۰/۱۴۹	۰/۰۶۱
تمرکز مالکیت	۴۷۰	۰/۶۸۹	۰/۰۱۵
مالکیت نهادی	۴۷۰	۰/۲۱۹	۰/۰۴۷
تصدی مدیرعامل	۴۷۰	۰/۲۷۴	-۰/۰۴۶
اندازهٔ هیئت‌مدیره	۴۷۰	۰/۰۲۲	۰/۱۰۴
نفوذ مدیرعامل	۴۷۰	۰/۶۵۱	-۰/۰۲۱
دوگانگی مدیرعامل	۴۷۰	۰/۰۰۵	۰/۱۲۹
سطح بدهی	۴۷۰	۰/۰۰۰	۰/۱۶۸
اندازهٔ شرکت	۴۷۰	۰/۹۱۴	-۰/۰۰۵

به‌منظور تحلیل کلی فرضیه‌ها، مدل رگرسیون لجستیک ایجاد شد که در ادامه به نتایج آن پرداخته می‌شود. ابتدا فراوانی کمیت پاسخ تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی بیان شده است (جدول ۵).

جدول ۵. فراوانی کمیت‌های پاسخ

مشاهده‌ها	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
کمتر از۵ درصد	۶۰	۵۰/۰	۵۰/۴
بیشتر از ۵ درصد	۵۹	۴۹/۲	۱۰۰/۰
بدون پاسخ	۱	۰/۸	
تعداد کل مشاهده‌ها	۱۲۰	۱۰۰/۰	

براساس نتایج جدول ۵ می‌توان گفت ۶۰ مشاهده یا ۵۰ درصد مشاهده‌های کمیت پاسخ، مقداری کمتر از ۵ درصد به‌دست آورده‌اند و مقدار ۵۹ مشاهده بیشتر از ۵ درصد بوده است. اکنون آزمون زیر به‌منظور تعیین مناسب‌بودن مدل رگرسیون لجستیک به اجرا گذاشته می‌شود.

Arhive of SID

www.SID.ir

H.: کمیت پاسخ تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی و سایر عوامل بررسی‌شده از یکدیگر مستقل‌اند.

H_1: کمیت پاسخ تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی و سایر عوامل بررسی‌شده از یکدیگر مستقل نیستند.

جدول ٦. نتایج مناسب‌بودن فرضیهٔ ایجاد مدل رگرسیون لجستیک

Step	نسبت درست‌نمایی	ضریب تعیین کاکس و اسنل	ضریب تعیین نگلکرک
1	۱۴۸/۳۴۹	۰/۰۸۱	۰/۱۰۹

با توجه به مقدار به‌دست آمده برای -2ln Likelihood (۱۴۸/۳۵) و از آنجا که رابطهٔ $\chi^2_{(22,\ 0/95)}$ = ۱۲/۳۳۸ < ۲lnLikelihood= ۱۴۸/۳۴۹ برقرار است؛ فرض صفر رد می‌شود، بنابراین رگرسیون لجستیک ایجادشده، مناسب است.

جدول ۷ نتایج رگرسیون لجستیک را نشان می‌دهد. B نشان‌دهندهٔ ضرایب معادله، sig نشان‌دهندهٔ سطح معناداری و Exp (B) نسبت شانس هریک از متغیرها است. در سطح معناداری ۱۰ درصد، اندازهٔ هیئت‌مدیره (B = ۰/۴۷۷ و sig = ۰/۰۵۷) و سطح بدهی (B = ۱/۵۸۹ و sig =۰/۰۰۰) رابطهٔ معناداری با تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی دارند. به بیان دیگر، نتایج رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد بین اندازهٔ هیئت‌مدیره و تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی و همچنین بین سطح بدهی و تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی رابطهٔ مثبتی مشاهده می‌شود.

جدول ۷. نتایج رگرسیون لجستیک

کمیت‌های رگرسیونی	ضرایب معادله	S.E.	درجهٔ آزادی	Sig	نسبت شانس
دوگانگی وظیفه مدیرعامل	۲۱/۱۱۳	۱۷۹۸۷/۳۷۶	۱	۰/۱۲۲	۱/۴۷۷
نفوذ مدیرعامل	-۰/۱۴۲	۰/۴۳۱	۱	۰/۶۶۰	۰/۸۵۹
اندازهٔ هیئت‌مدیره	۰/۴۷۷	۰/۲۳۹	۱	۰/۰۵۷	۱/۵۰۶
مدت زمان تصدی	۰/۰۴۴	۰/۰۵۸	۱	۰/۴۴۲	۱/۰۴۵
مالکیت نهادی	۰/۰۰۹	۰/۰۰۳	۱	۰/۱۳۸	۱/۰۰۶
تمرکز مالکیت	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	۱	۰/۵۲۶	۱/۰۰۴
استقلال هیئت‌مدیره	۰/۵۴۶	۰/۵۷۲	۱	۰/۳۴۰	۱/۷۲۶
اندازهٔ شرکت	-۰/۰۴۲	۰/۰۸۷	۱	۰/۶۲۶	۰/۹۵۹
سطح بدهی	۱/۵۸۹	۰/۴۱۷	۱	۰/۰۰۰	۱/۴۷۷
ضریب ثابت	-۳/۹۴۲	۱/۲۷۰	۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱۹

Arhive of SID

www.SID.ir

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد در میان سازوکارهای راهبری (حاکمیت) شرکتی بررسی‌شده در پژوهش، دوگانگی وظیفهٔ مدیرعامل و اندازهٔ هیئت‌مدیره با تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی رابطهٔ مثبت دارند. به بیانی دیگر، تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی بیشتر تحت تأثیر ساختار هیئت‌مدیره قرار می‌گیرد، در حالی‌که ساختار مالکیت مهم یا اثرگذار نیست. در بین متغیرهای مالی، سطح بدهی بیشترین اثر را بر تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی دارد و اندازهٔ شرکت نمی‌تواند دلیلی برای تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی شرکت‌ها باشد.

در تفسیر یافته‌ها می‌توان گفت ساختار دوگانه به مدیرعامل اجازه می‌دهد اطلاعات در دسترس سایر اعضای هیئت‌مدیره را به‌طور مؤثری کنترل کند، بنابراین ممکن است از نظارت مؤثر جلوگیری به‌عمل آورد (جنسن، ۱۹۹۳). افندی و اسوانسون (۲۰۰۴) نشان دادند شرکتی با صورت‌های مالی تجدید نظرشده، از ساختار راهبری شرکتی ضعیف‌تری برخوردار است که در آن مدیرعامل نقش رئیس هیئت‌مدیره را نیز برعهده دارد. همچنین مشایخی (۱۳۸۶) در پژوهشی نشان داد اندازهٔ هیئت‌مدیره و دوگانگی وظیفهٔ مدیرعامل با مدیریت سود رابطهٔ معناداری دارند. اجازهٔ در اختیارداشتن هم‌زمان ریاست هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت، از کاستی‌های جدی قانون تجارت ایران است. دربارهٔ اندازهٔ هیئت‌مدیره و تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی می‌توان گفت بیشتر مطالعات انجام‌گرفته به نقش اندازهٔ هیئت‌مدیره در افزایش عملکرد توجه کرده‌اند و نقش آن را در بهبود درست‌بودن گزارشگری مالی نادیده انگاشته‌اند و معتقدند اندازهٔ هیئت‌مدیره در افزایش عملکرد مؤثر است. زای، دیویدسون و دادالت (۲۰۰۳) به این نتیجه رسیدند که تعداد بیشتر اعضای هیئت‌مدیره با سطوح پایین مدیریت سود ارتباط دارد. هرچند بیزلی (۱۹۹۶) رابطهٔ مثبتی بین اندازهٔ هیئت‌مدیره و احتمال تقلب یافت؛ گانگ‌چن (۲۰۰۶) نیز ویژگی‌های هیئت‌مدیره را عاملی تأثیرگذار در تقلب صورت‌های مالی می‌دانست. همچنین سطح بدهی بالا سبب تشدید تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی می‌شود. سطح بدهی نشان‌دهندهٔ ریسک و وسعت قراردادهای بدهی تحمیل‌شده بر شرکت است. بنابراین احتمال بیشتری برای ارائهٔ نادرست حساب‌ها در سطح بدهی زیاد وجود دارد. نوروش و سپاسی (۱۳۸۴) در پژوهشی به بررسی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج آنها نشان داد انگیزهٔ اعمال مدیریت سود با افزایش بدهی بیشتر می‌شود. نیکبخت و رفیعی (۱۳۹۰) در پژوهشی همبستگی قوی‌ای بین اهرم مالی و تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی یافتند. روش پژوهش آنها مصاحبهٔ سازمان‌یافته با خبرگان مالی بود.

بین استقلال هیئت‌مدیره و تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی رابطه‌ای مشاهده نشده است. نتایج پژوهش‌های بیزلی (۱۹۹۵)، چتورو (۲۰۰۰) و کلین (۲۰۰۲) نیز نشان می‌دهد استقلال

Arhive of SID

www.SID.ir

هیئت‌مدیره با تقلب‌های مالی و مدیریت سود ارتباط کمی دارد. در ایران نیز بر اساس نتایج پژوهش آقایی و چالاکی (۱۳۸۷) استقلال هیئت‌مدیره با مدیریت سود ارتباط کمی دارد.

بین نفوذ مدیرعامل و تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی نیز رابطه‌ای مشاهده نشده است. به بیان دیگر نمی‌توان موظف‌بودن رئیس هیئت‌مدیره را دلیلی برای تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی ایران دانست. البته این نتیجه شاید به این دلیل باشد که در ایران کمتر شرکتی یافت شود که در آن رئیس هیئت‌مدیره عضو موظف باشد. پژوهش آقایی و چالاکی (۱۳۸۷) نشان داده است بین نفوذ مدیرعامل و انگیزهٔ مدیریت سود زیاد رابطه‌ای وجود ندارد.

بین مدت زمان تصدی مدیرعامل و تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی رابطه‌ای یافت نشد. دیدگاه‌های متفاوتی دربارهٔ مدت زمان تصدی مدیرعامل وجود دارد. برخی از این دیدگاه‌ها در جهت مخالف بیان شده است. برای مثال، از آنجاکه ممکن است در صورت افزایش تصدی مدیرعامل، جایگاه مدیرعامل ثبات و قدرت بیشتری پیدا کند، احتمال کمتری دارد به دنبال منافع سهامداران باشد. در مقابل، مدت زمان تصدی مدیرعامل ممکن است اثربخش‌بودن وی در مدیریت شرکت را تعیین کند. مطالعاتی نیز در ایران به موضوع مدت زمان تصدی مدیرعامل[1] در هیئت‌مدیره و مدیریت سود پرداخته‌اند (آقایی و چالاکی، ۱۳۸۷)، اما رابطهٔ معناداری بین آنها دیده نشده است.

بین مالکیت نهادی و تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی نیز رابطه‌ای مشاهده نشد. شاید دلیل آن این باشد که سهامداران نهادی به تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی بی‌توجه‌اند و آگاهی کافی از بحث تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی ندارند یا چون عنصر تعدیلات سنواتی در ایران به رقم پایدار صورت‌های مالی تبدیل شده است، آن را جزئی از صورت‌های مالی تلقی می‌کنند و توجهی به آن ندارند و در تصمیم‌های خود بر عوامل دیگری تمرکز می‌کنند. از سوی دیگر شاید بتوان دلیل این نتیجه را ماهیت شبه‌دولتی سهامداران نهادی ایران دانست. چنین ماهیتی سهامداران نهادی را از فعالیت‌گرایی بازمی‌دارد و سبب می‌شود آنان نتوانند نقش نظارتی خود را به درستی ایفا کنند. نجارزاده (۱۳۸۸) در پژوهشی واکنش بازار سرمایه را نسبت به تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کرده است. وی به این نتیجه دست یافت که بازار سرمایهٔ ایران واکنش معناداری نسبت به تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی چه از نوع کاهنده و چه از نوع افزاینده نشان نمی‌دهد.

---

۱. بر اساس قانون تجارت ایران، مدت مدیریت مدیران در اساسنامه معین می‌شود، اما این مدت از دو سال تجاوز نخواهد کرد، انتخاب مجدد مدیران بلامانع است.

Archive of SID

www.SID.ir

بین اندازهٔ شرکت و تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی رابطه‌ای وجود ندارد. دو دیدگاه مقابل در این زمینه وجود دارد؛ در دیدگاه اول این احتمال وجود دارد که سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران بیشتر از دیگران شرکت‌های بزرگ‌تر را بررسی کنند و این بررسی دقیق موجب شود فشار بازار سرمایه برای انتخاب روش‌های متهورانه افزایش یابد. ریچارد (۲۰۰۳) دریافت که اندازهٔ شرکت با احتمال ارائهٔ مجدد صورت‌های مالی رابطهٔ مثبت دارد. دیدگاه دوم این است که شرکت‌های بزرگ‌تر به‌دلیل استفاده از امکانات بیشتری چون کادر متخصص، تعدیلات سنواتی کمتر یا خطای کمتری در ارائهٔ اطلاعات دارند. سجادی (۱۳۸۳) به رابطهٔ منفی بین تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی و اندازهٔ شرکت در ایران دست یافته است.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش، به بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود شرکت‌ها را ملزم به پُرکردن فرمی مانند 8-k برای شفافیت اطلاعاتی دربارهٔ تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی کنند. از این طریق می‌توان به‌منظور بهبود وضعیت راهبری شرکتی و گزارشگری مالی در برخی از قوانین تجارتی و مالیاتی تجدید نظر کرد. پیشنهاد دیگر اینکه باید ریشهٔ تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی اغلب شرکت‌های ایرانی را در عوامل دیگری مانند ضعف کنترل‌های داخلی، نبود کمیتهٔ حسابرسی و حسابرس داخلی کارآمد و پاداش هیئت‌مدیره نیز جست‌وجو کرد.

References

Abdolmohammadi, M. J., Read, W. J. (2010). Corporate Governance Ratings and Financial Restatements: Pre and Post Sarbanes-Oxley Act. *Journal of Forensic & Investigative Accounting,* 2(1): 1-44.

Aghaei, M. & Chalaki, P. (2010). Studding the Relationship between Corporate Governance attributes and the Information Content of Accounting Earnings: The Role of Earnings Management. *Iranian journal of management sciences*, 4 (16): 27-58. (*in Persian*)

Agrawal, A. & Chadha, S. (2005). Corporate Governance and Accounting Scandals. *Journal of Law and Economics.* 48(2): 371-406.

Alves, S. (2012). Ownership Structure and Earnings Management: Evidence from Portugal. *Australasian Accounting Business and Finance Journal*, 6 (1): 47-57.

Audit organization. (2010). *Accounting standards*. Accounting standards setting committee, Tehan. (*in Persian*)

Baber, R. B., Liang, L. & Zhu, Z (2012). Associations between Internal and External Corporate Governance Characteristics: Implications for Investigating Financial Accounting Restatements*, American Accounting Association*, 26(2): 219-237.

Archive of SID

www.SID.ir

Bolo, GH. Moameni, S. (2012). *Relationship between financial restatement statement and earnings management and earnings quality: Evidence from Tehran Stock Market.* Master's thesis, Tehran, Allameh Tabatabai University. (*in Persian*)

Flanagan, D.J. (2008). An overview of accounting restatement activity in the United States. *International Journal of Commerce and Management*, 18(4): 363-381.

GAO. (2002). *Financial statement restatements; trends, market impacts, regulatory responses, and remaining challenges*. Report to the chairman, committee on banking, housing, and urban affairs, U.S. Senate.

GAO. (2006). *Financial restatements; update of public company trends, market impacts, and regulatory enforcement activities*. Report to the chairman, committee on banking, housing, and urban affairs, U.S. Senate.

Ghalibafasl, H. & Rezaei, F. (2009). A Study of the Relationship between Board Composition and Firm Performance in TSE. *Journal of financial research*, 9 (2). (*in Persian*)

Hassas Yeganeh, Y. & Baghomiyan, R. (2006). Corporate Governance and Financial Reporting Quality. *CPA Journal*, 45-86. (*in Persian*)

Hassas Yeganeh, Y. & Nadighomi, V. (2007). The role of transparency in the effectiveness of corporate governance. *Auditor magazine*, 21(179): 32-37. (*in Persian*)

Marcdiukaityte, D., Szewczyk, S.H. & Vama, R. (2009). Voluntary vs. Forced Financial Restatements: The Role of Board Independence. *Financial Analysts Journal*, 65(5). Available at SSRN: http://ssrn.com/abstract=1484824.

Mehrani, M., Hoseini, A. & Heidari, H. (2013). Investigation of the Effects of Ownership Structure on Firms Value: Evidence from Tehran Stock Market. *Journal of financial research*, 15 (1): 129-148. (*in Persian*)

Nikbakht, M. & Rafiei, A. (2012). A model of effective factors in financial restatements in Iran. *Journal of accounting knowledge*, 3(9): 167-194. (*in Persian*)

Sajjadi, H. (2005). The annual adjustments of the financial statements related to Stock price, and life-size of the firms listed in the Tehran Stock Exchanged. *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, 1(1): 63-87. (*in Persian*)

Shamsul-Nahar, A. (2010). Financial restatements and corporate governance among Malaysian listed companies. *Managerial Auditing Journal*, 25(6): 526-552.

Shariatpanahi, M. & Kazemi, H. (2011). *Model to assess the effects of restatement of financial statements in the information content of earnings*. PHD thesis, Tehran, Allameh Tabatabai University. (*in Persian*)

Shelton, S.W., Owens-Jackson, L.A., Robinson, D.R. (2011). IFRS and U.S. GAAP: Assessing the impact of reporting incentives on firm restatements in foreign and U.S. markets, *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting Journal,* 27 (1): 187-192.

Archive of SID

www.SID.ir